

یادداشت

زنگرور و روابط ایران و روسیه



محمد مهدی مظاهری

تحلیلگر مسائل بین الملل

اعلام موضع اخیر مقامات ارشد روسی پس از سفر ولادیمیر پوتین به باکو درباره مسیر ارتباطی زنگرور در منطقه قفقاز جنوبی، بار دیگر بحث‌ها در مورد رویکرد روسیه به جمهوری اسلامی ایران را افزایش داده است. ماجرا از آنجا آغاز شد که بعد از حمله اوکراین به خاک روسیه، تصرف برخی شهرهای آن و تغییر شرایط میدانی در جنگ، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، برای اولین بار از زمان آغاز جنگ با اوکراین، یک سفر دو روزه به جمهوری آذربایجان انجام داد تا به بررسی راه‌های گسترش همکاری‌های راهبردی و ائتلاف میان جمهوری آذربایجان و روسیه بپردازد. طی این سفر پوتین ضمن برخی توافقات دیگر، می‌احتی را نیز درباره کریدور زنگرور مطرح کرد. به فاصله کوتاهی پس از این سفر، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرد مسکو از انعقاد سریع معاهده صلح بین باکو و ایروان و رفع انسداد مسیر ارتباطی حمایت می‌کند. هر چند پس از این موضع‌گیری که علنا منافع ملی ایران را تهدید می‌کرد، وزارت امور خارجه، سفیر روسیه در تهران را احضار کرد و مراتب اعتراض جمهوری اسلامی به این به اصطلاح شریک راهبردی ابلاغ شد، اما روس‌ها نه تنها از این تصمیم منصرف نشدند، بلکه تنها با بیان اینکه مسکو نگرانی تهران را مد نظر دارد، تأکید کردند که موضع مسکو در مورد کریدور زنگرور قطعی است و تنها کاری که قصد دارند انجام دهند، تماس گرفتن با ایران برای «شفاف سازی» است! چنین موضع‌گیری از سوی مسکو در شرایطی است که متن نهایی «سند جامع همکاری‌های راهبردی» دو کشور آماده امضاست و دو کشور در حال مهیا شدن برای نهایی کردن آن هستند. با این حال، به نظر می‌رسد درک روسیه از روابط راهبردی با درک ایران از این نوع روابط متفاوت است و مقامات ایران کشور محدودیت و خط قرمزى منافع و امنیت ملی خود نمی‌شناسند. بر اساس متون علمی، «روابط راهبردی» مستلزم وجود یا رعایت برخی الزامات و مؤلفه‌هاست؛ ضرورت وجود منافع و اهداف استراتژیک در حوزه‌های مشترک، وجود یک دشمن، رقیب و یا تهدید مشترک، وجود تفاهم در مورد نظام بین‌الملل و قواعد کنشگری در آن و وجود اراده سیاسی در رهبران؛ برخی از این مؤلفه‌ها هستند. با این حال به نظر می‌رسد روسیه با حمایت از دالان زنگرور این مؤلفه‌های همکاری راهبردی را خدشه دار کرده است؛ در درجه نخست گشایش زنگرور اقدامی است در ضدیت با منافع ایران، اما در مقطع کنونی به نفع روسیه؛ باگشایش این دالان، ارتباط راهبردی ایران با اروپا قطع خواهد شد. ضمن اینکه ایران بر این مسیر کنترلی نخواهد داشت و طبیعتاً حق ترانزیت کالا را نیز از دست می‌دهد. از سوی دیگر، راه‌اندازی کریدور زنگرور همسایگان ایران را از ۱۵ به ۱۴ کشور تقلیل می‌دهد و در نتیجه منافع راهبردی و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با این حال، این راه ارتباطی در دوره تحریم روسیه از سوی اروپا، به مسکو کمک می‌کند تا تحریم‌ها را دور بزند. از سوی دیگر، تحولات اوکراین موقعیت روسیه را در قفقاز جنوبی تغییر داده و مسکو خواهان نفوذ خود در گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان است، امری که از طریق دالان زنگرور اجرایی می‌شود. بنابراین منافع و اهداف استراتژیک ایران و روسیه در این زمینه نه فقط تفاوت بلکه تعارض دارد. وجود یک دشمن، رقیب یا تهدید مشترک، از دیگر فاکتورهای روابط راهبردی است؛ هرچند در سال‌های اخیر، روسیه و ایران در دشمنی با کشورهای غربی همدستان بودند، اما با روی کار آمدن رئیس جمهور جدید در ایران و اعلام مواضع او مبنی بر مدیریت تنش‌ها با غرب، مقامات روس به این نتیجه رسیده‌اند که باید قبل از هر اقدامی از سوی ایران، آنها برای گشودن جبهه‌های جدید اقدام کنند و به تهران نشان دهند که می‌توانند تنها با یک دیدار و چند تماس، کل معادلات منطقه را به ضرر ایران تغییر دهند. بنابراین، فشاری روسیه بر ایجاد زنگرور در واقع هدیه‌ای است که پوتین به رقبای منطقه‌ای ایران یعنی ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌دهد؛ چرا که ترکیه می‌تواند از طریق زنگرور کالاهایش را به جمهوری آذربایجان و از طریق دریای خزر به آسیای مرکزی برساند و آذربایجان راهی مستقیم به سمت کشورهای اروپایی پیدا می‌کند. وجود تفاهم در مورد نظام بین‌الملل و قواعد کنشگری در آن مؤلفه دیگر همکاری‌های راهبردی است؛ اگرچه هر دو کشور ایران و روسیه، رویکردی تجدید نظر طلب نسبت به قواعد غربی نظام بین‌الملل دارند و خواستار آن هستند که نقش آنها در نظام بین‌الملل به رسمیت شناخته شود، اما تجدید نظرطلبی روسیه در چارچوب سیستم است. در حالیکه تجدید نظرطلبی ایران ضد سیستمی است. روسیه به عنوان کشوری که پیگیر دستیابی به هویت یک قدرت بزرگ است، هیچگاه به دنبال کنار رفتن از مدیریت بحران‌ها و مسائل جهانی نبوده و در همین راستا هر گاه لازم بوده با کشورهای غربی همسو شده و از تحریم‌های چند جانبه بین‌المللی علیه ایران حمایت کرده است. حال نیز که کشورهای غربی در قالب ناتو در حال حمایت از اوکراین هستند، روسیه ضمن بهره‌برداری از حمایت‌های ایران، تمامی تخم مرغ‌های خود را در سبد کشورمان گذاشته و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت خود، کارت‌های مختلفی برای مدیریت بحران اوکراین بازی می‌کند که برخی از آنها همچون دالان زنگرور کاملاً به ضرر ایران هستند. در رابطه به «وجود اراده سیاسی در رهبران» نیز به نظر می‌رسد، با توجه به تفاوت سطوح قدرت بین ایران و روسیه، کرملین اراده‌ای برای ارتقای روابط خود با تهران به سطح روابط راهبردی نداشته و ترجیح می‌دهد رابطه با ایران را در همین وضعیت «منافع مجوری» نگاه دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد روابط ایران و روسیه، نه از نوع همکاری راهبردی، بلکه بیشتر همکاری اجباری یا محتاطانه برای مقابله با بحران‌های مقطعی بوده و صرفاً عنصری از روابط استراتژیک را در خود دارد. بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود تا روسیه از سطح این روابط این‌الوقتی خارج شده و خود را متعهد به ایجاد نوعی روابط پایدار و استراتژیک با ایران بداند.

مصطفی اقلیما در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بزهکاری اتباع غیر مجاز بیشتر از سر لج بازی است

حضور اتباع غیر مجاز در ایران با آگاهی مسئولان صورت گرفته است

حضور اتباع غیر مجاز در ایران آسیب‌های اجتماعی را افزایش داده است

آرمان ملی - احسان انصاری: حضور اتباع غیرقانونی که افغانه کسر بزرگی از آنها را تشکیل می‌دهد چالش‌هایی برای جامعه ایران که خود با بحران‌هایی مواجه است به وجود آورده است. به همین دلیل نیز وزیر کشور اعلام کرده همه اتباع غیر مجاز که به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند باید ایران را ترک کنند. به همین دلیل «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر مصطفی اقلیما، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. اقلیما معتقد است: «من

حضور اتباع غیر مجاز در کشور در سال‌های اخیر با چالش‌های اجتماعی برای کشور همراه بوده است. آیا حضور اتباع غیر مجاز در ایران باعث تشدید چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی ایران شده است؟

همه کشورهای جهان مهاجرپذیر هستند و بسیاری از افراد از کشورهای خود به کشور دیگری می‌روند و در آنجا زندگی می‌کنند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که کشورهای جهان برای مهاجران خود برنامه‌ریزی دارند. اغلب کشورها حتی برای مهاجران داخلی خود نیز برنامه دارند. از زمانی که اوآرگان افغان به ایران آمدند نیز همه مسئولان به این مسأله آگاهی داشتند و شرایط به شکلی نبوده که کسی نداند که حضور مهاجران در ایران می‌تواند با چه مشکلاتی همراه باشد. نکته دیگر اینکه ایران زمانی که از اوآرگان وارد کشور شدند از سازمان ملل بودجه‌ای برای اوآرگان پرداخت می‌شده است. به ازای این بودجه ما باید به اوآرگان بهداشت، شغل، آموزش و... می‌دادیم. حتی در موضوع ازدواج نیز هنگامی که یک فرد مهاجر با تبعه کشور میزبان ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شود قوانین بین‌المللی عنوان می‌کند که چنین فردی می‌تواند در کشور میزبان از همه حقوق برخوردار باشد. به هر حال حضور اتباع غیر مجاز در ایران همراه با آسیب‌های اجتماعی بوده است، اما شرایط به شکلی نیست که این آسیب‌ها از چشم دولت‌ها و مسئولان پنهان مانده باشد. همه چیز به این بستگی دارد که دولت‌ها به چه میزان با دنبال کاهش این آسیب‌ها باشند. همه ما می‌دانیم که جامعه ایران با چالش‌هایی مواجه است و حضور اتباع غیر مجاز با شرایطی که دارند این چالش‌ها را افزایش می‌دهد. با این وجود مشخص نیست که چرا مسئولان مربوطه راه حل اساسی برای این چالش پیدا نمی‌کنند.

اغلب اتباع بیگانه به صورت غیرقانونی و غیررسمی وارد کشور می‌شوند و بیشتر نیز در مشاغل رده پایین مشغول می‌شوند. با این وجود این افراد در برخی مواقع به بزهکاری‌هایی دست زده‌اند. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟

من با اینکه اتباع به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند موافق نیستم و معتقدم مسئولان می‌دانند که این افراد وارد ایران می‌شوند. در شرایط کنونی اگر کسی بخواهد به صورت غیرقانونی از کشور خارج یا وارد شود فوراً شناسایی می‌شود و اجازه به وی داده نمی‌شود. سوال این است که چرا در حالی که راه‌های ورود این افراد به کشور مشخص است گویا برخوردی جدی‌ای با آنها صورت نمی‌گیرد. نیروی انتظامی در ایران قوی است و از تجهیزات خوبی برخوردار است. در چنین شرایطی آیا نیروی انتظامی با این همه تجهیزات و امکانات نمی‌تواند اتباع بیگانه‌ای که به صورت غیر مجاز در ایران زندگی و کار می‌کنند را شناسایی کند و به کشور خود عودت بدهد.



با اینکه اتباع به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند موافق نیستم و معتقدم مسئولان می‌دانند که افغان‌ها وارد ایران می‌شوند. در شرایط کنونی اگر کسی بخواهد به صورت غیرقانونی از کشور خارج یا وارد شود فوراً شناسایی می‌شود و اجازه به وی داده نمی‌شود. سوال این است که چرا در حالی که راه‌های ورود افغان‌ها به کشور مشخص است اما گویا برخوردی با آنها صورت نمی‌گیرد». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

هر کسی وارد یک جامعه می‌شود تابع همان جامعه می‌شود و شرایط به شکلی نبوده که اتباع در ایران عامل بزهکاری اجتماعی شده‌اند. ایرانی‌های زیادی نیز در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و در آن کشورها اقداماتی انجام می‌دهند که مناسب نیست. هر فردی در هر جامعه‌ای ممکن است از استعداد بزهکاری برخوردار باشد و این وضعیت نیز درباره اتباع وجود دارد. همه آنها نیز بزهکار نبوده‌اند. هنگامی که فردی دارای استعداد بزهکاری است و در جامعه‌ای قرار می‌گیرد که بستری‌های بزهکاری را برای آنها فراهم می‌کند به این سمت گرایش پیدا می‌کند. من معتقدم مشکل از مدیران و تصمیم‌گیران کشور ماست که کار به اینجا رسیده است. برخی اخبار حکایت دارد که فلان مهاجر در ایران مرتکب قتل شده و یا به کسی تجاوز کرده است. سوال این است که مگر ایرانی‌ها مرتکب قتل نمی‌شوند و به کسی تجاوز نمی‌کنند؟ هر فردی که دارای چنین استعدادی باشد احتمال دارد که دست به بزهکاری بزند. موضوع جمع‌آوری اتباع غیر مجاز مهم است و نیروی انتظامی اگر همه هزینه و وقت را برای عودت اتباعی که به صورت غیرقانونی وارد کشور شده‌اند می‌کرد تاکنون این مشکل حل شده بود. بزهکاری‌هایی که از سوی اتباع صورت می‌گیرد بیشتر از سر لج بازی است. هنگامی که حقوق آنها توسط برخی از شهروندان نادیده گرفته می‌شود و برخی به آنها توهین می‌کنند آنها نیز دست به اقدامات غیرقانونی و بزهکاری می‌زنند تا توهین‌ها به خود را جبران کنند. اگر وضعیت جامعه ایران خوب بود و همه چیز براساس ضوابط صورت می‌گرفت هیچ پناهنده‌ای در ایران دست به بزهکاری نمی‌زد. نکته دیگر اینکه در همه کشورهای جهان هنگامی که کسی پناهنده می‌شود دولت موظف است همه خدمات را به وی ارائه کند. این در حالی است که در ایران این اتفاق کمتر صورت می‌گیرد. به همین دلیل نیز آنها در ایران دست به بزهکاری می‌زنند.

دولت پزشک‌ان چگونه می‌تواند این مشکل را حل کند و به حضور غیرقانونی اتباع بیگانه در ایران پایان بدهد؟

من فکر می‌کنم این کار در اختیار دولت پزشک‌ان نیست، بلکه سیاست‌های کلی حاکمیت در این زمینه تعیین‌کننده است. همه ما می‌دانیم که خروج اتباع غیر مجاز از ایران کار راحتی است. مسئولان نیز به خوبی به این موضوع آگاهی دارند. به همین دلیل نیز اگر قرار است اتفاق مثبتی در این زمینه رخ بدهد باید توسط تصمیم‌گیران جامعه صورت بگیرد. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که دلایل برای حضور اتباع در ایران مشخص نیست و افکار عمومی در جریان نیستند که چرا اینها هنوز در کشور حضور دارند؟ همه چیز باید قانونی باشد و تنها در چنین شرایطی است که این چالش در جامعه ایران حل می‌شود.

هر کسی وارد یک جامعه می‌شود تابع همان جامعه می‌شود و شرایط به شکلی نبوده که افغان‌ها وارد ایران عامل بزهکاری اجتماعی شده‌اند. ایرانی‌های زیادی نیز در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و در آن کشورها اقداماتی انجام می‌دهند که مناسب نیست. هر فردی در هر جامعه‌ای ممکن است از استعداد بزهکاری برخوردار باشد و این وضعیت نیز درباره اتباع وجود دارد. همه آنها نیز بزهکار نبوده‌اند. هنگامی که فردی دارای استعداد بزهکاری است و در جامعه‌ای قرار می‌گیرد که بستری‌های بزهکاری را برای آنها فراهم می‌کند به این سمت گرایش پیدا می‌کند. من معتقدم مشکل از مدیران و تصمیم‌گیران کشور ماست که کار به اینجا رسیده است. برخی اخبار حکایت دارد که فلان مهاجر در ایران مرتکب قتل شده و یا به کسی تجاوز کرده است. سوال این است که مگر ایرانی‌ها مرتکب قتل نمی‌شوند و به کسی تجاوز نمی‌کنند؟ هر فردی که دارای چنین استعدادی باشد احتمال دارد که دست به بزهکاری بزند. موضوع جمع‌آوری اتباع غیر مجاز مهم است و نیروی انتظامی اگر همه هزینه و وقت را برای عودت اتباعی که به صورت غیرقانونی وارد کشور شده‌اند می‌کرد تاکنون این مشکل حل شده بود. بزهکاری‌هایی که از سوی اتباع صورت می‌گیرد بیشتر از سر لج بازی است. هنگامی که حقوق آنها توسط برخی از شهروندان نادیده گرفته می‌شود و برخی به آنها توهین می‌کنند آنها نیز دست به اقدامات غیرقانونی و بزهکاری می‌زنند تا توهین‌ها به خود را جبران کنند. اگر وضعیت جامعه ایران خوب بود و همه چیز براساس ضوابط صورت می‌گرفت هیچ پناهنده‌ای در ایران دست به بزهکاری نمی‌زد. نکته دیگر اینکه در همه کشورهای جهان هنگامی که کسی پناهنده می‌شود دولت موظف است همه خدمات را به وی ارائه کند. این در حالی است که در ایران این اتفاق کمتر صورت می‌گیرد. به همین دلیل نیز آنها در ایران دست به بزهکاری می‌زنند.

دلیل این موضوع این است که ما چنین مطالبه‌ای از پلیس نداشته‌ایم. زمانی که اتباع در کشور ما آواره و سرگردان می‌شوند هر احتمالی از جمله بزهکاری نیز مورد آنها وجود دارد. اتباع چالش‌های اجتماعی در ایران را افزایش نداده‌اند، بلکه به آن اضافه شده است.

یکی از دلایلی که افکار عمومی نسبت به حضور اتباع در کشور حساس شده‌اند بزهکاری‌هایی بوده که از سوی برخی از آنها صورت گرفته است. به نظر شما چگونه می‌توان این حساسیت‌ها را کاهش داد؟

همه کشورهای جهان مهاجرپذیر هستند و بسیاری از افراد از کشورهای خود به کشور دیگری می‌روند و در آنجا زندگی می‌کنند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که کشورهای جهان برای مهاجران خود برنامه‌ریزی دارند. اغلب کشورها حتی برای مهاجران داخلی خود نیز برنامه دارند. از زمانی که افغان‌ها به ایران آمدند نیز همه مسئولان به این مسأله آگاهی داشتند و شرایط به شکلی نبوده که کسی نداند که حضور آنها در ایران می‌تواند با چه مشکلاتی همراه باشد.

عضو کمیسیون امنیت ملی:

سناریوهایی در خصوص مهاجرین در ایران شنیده می‌شود



برخی از مقامات ما بی‌علاقه نیستند که اتباع را جایگزین نخیکنان و جوانان ماکند.

وی با انتقاد از این موضوع که نمی‌توان مهاجرین را جایگزین متخصصین کشور کرد، گفت: شاید با اتباع افغانستانی خصوصاً جمعیت ازبکستان کرد، اما از لحاظ تخصص قابل مقایسه نیستند؛ بنابراین شاید مسئولین به این فکر هستند که چون این افراد از لحاظ سطح تحصیل،

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در رابطه با وضعیت ساماندهی اتباع در کشور اظهار داشت: در ایران شنیده می‌شود که یکی از این سناریوها این است که با توجه به گسترده‌گی مهاجرت نخیکنان، پزشکان و جوانان ایرانی به خارج از کشور، برخی از مقامات ما بی‌علاقه نیستند که اتباع را جایگزین نخیکنان و جوانان ماکند.

به گزارش شفقنا، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه امور مربوط به اتباع باید ساماندهی شود، گفت: اگر مانع مهاجرت اتباع افغانستانی به کشور شویم، در تامین نیرو در این بخش‌ها مشکل مواجه خواهیم شد.

آقای احمد بخشایش اردستانی در رابطه با وضعیت ساماندهی اتباع در کشور، اظهار داشت: سناریوهایی در خصوص حجم مهاجرین در ایران شنیده می‌شود که یکی از این سناریوها این است که با توجه به گسترده‌گی مهاجرت نخیکنان، پزشکان و جوانان ایرانی به خارج از کشور،

گزارش

سفر تاریخی؛ از بغداد تا اقلیم کردستان

ادامه از صفحه ۱۲ | رئیس جمهور در سومین و آخرین روز سفر خود به عراق در اولین برنامه به منظور دیدار با نخیکنان فرهنگی، مذهبی، دانشگاهی و جمعی از عشایر بصره، با استقبال استاندار، وارد این استان شد. مسعود پزشکیان در نشست با نخیکنان، دانشگاهیان و عشایر عراق در بصره، با ابراز خوشحالی بابت حضور در این نشست، اظهار کرد: شعار روشنم در دوره انتخابات در ایران براساس اعتقاد و باورم این بود که باید در کشور خود دست از اختلاف برداریم و دست‌به‌دست هم دهیم و همچنین با همسایگان با دوستی و برادری رفتار کنیم. در این مراسم عشایر و نخیکنان بصره به عنوان هدیه، عبای عربی بر تن رئیس جمهور کشورمان کردند. همچنین استاندار بصره تأکید کرد که سفر مسعود پزشکیان رئیس جمهور ایران به این استان تاریخی است و برای مردم بصره مفاهیم بزرگی دارد. همچنین تعدادی از مقامات عراقی درخصوص نتایج سفر رئیس جمهور ایران به کشورشان اظهار نظر مثبتی داشتند و این سفر را مهم و تأثیرگذار خواندند.

اقلیم اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد

رئیس جمهوری اسلامی ایران در جریان دیدار با عبداللطیف جمال رشید رئیس جمهور عراق، بر ضرورت توجه بیشتر بر همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای تأکید کرد. مسعود پزشکیان ابراز امیدواری کرد که توافق‌های مالی و اقتصادی و همکاری برای توسعه امنیت و ثبات منطقه‌ای بین دو کشور رشد و گسترش یابد. وی با بیان اینکه تقویت وحدت میان کشورهای اسلامی، منجر به بی‌اثر شدن تحریم‌ها خواهد شد، تصریح کرد: وحدت میان کشورهای اسلامی کلید و رمز خشکاندن ریشه تروریسم صهیونیستی خواهد بود. رئیس جمهور در دیدار فائق زیدان رئیس شورای عالی قضائی عراق به توافق مقامات عالی ایران و عراق برای تدوین برنامه راهبردی جامع بلندمدت توسعه روابط دو کشور اشاره کرد و گفت: امروز سران ایران و عراق برای حل مشکلات پیش‌رو و ارتقای سطح روابط فیما بین اراده جدی دارند و این برنامه می‌تواند مسیر توسعه روابط و موانع و اقتضانات آن را به دقت تعیین کند. پزشک‌ان در نشست فعالان اقتصادی در عراق یکی از اهداف اصلی سفر خود به عراق راه‌تسهیل مسیر فعالیت بازرگانان و تولیدکنندگان ایرانی برشمرد و گفت: در دیدارها و اینرسی‌های صورت گرفته با مقامات ارشد عراق، توافق کردیم که یک کارگروه تخصصی برای تدوین برنامه راهبردی جامع بلندمدت توسعه روابط میان دو کشور تشکیل شود. همچنین رئیس جمهور پیش‌از دیدار با مسئولین اقلیم کردستان با تشکر از مهمان‌نوازی مسئولان این اقلیم، اظهار کرد: نگاه مسئولان اقلیم کردستان این است که ما باهم خون دادیم. در واقع ایران و این منطقه در جریان بسیاری از درگیری‌ها با هم بودند. الان هم همین نگاه وجود دارد و در زمانی که صلح وجود دارد باید به هم کمک و همراهی کنیم و بستر را فراهم کنیم. در زمینه سیاسی، اقتصادی، امنیتی، علمی و فرهنگی می‌توانیم همکاری داشته باشیم و بستر را برای رشد و تعالی همکاری‌های آماده کنیم. پزشک‌ان همچنین بتوانیم روابطی که تا الان بین ما و اربل و اقلیم کردستان عراق بوده را تقویت کنیم و مشکلاتی را هم که وجود داشته است به امید خدا از بین می‌بریم. در همین راستا پزشک‌ان در دیدار جمعی از سران احزاب اقلیم کردستان عراق با بیان اینکه اگر هزینه‌هایی که صرف کنشکار زنان و کودکان بی‌گناه در غزه شد، صرف عمران و آبادانی در نقاط مختلف جهان می‌شد، جمعیت زیادی از مردم می‌توانستند از زندگی بهتری بهره‌مند شوند. گفت: وحدت، وفای، انسجام و رعایت متقابل حقوق، زمینه‌ساز استقرار و تحکیم امنیت و آرامش جوامع انسانی است. همچنین رئیس جمهور در دیدار آقای «باغل طالبانی» رئیس و جمعی دیگر از اعضای اتحادیه میهنی کردستان عراق با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت همسایگی ممتاز و اشتراکات فراوان برای منطقه سلیمانیه و به طور کلی اقلیم کردستان عراق اهمیت ویژه‌ای قائل است. گفت: امروز در کنار مراودات اقتصادی گسترده با اقلیم کردستان، به لحاظ سیاسی نیز درک مشترک و مطلوبی میان دو طرف وجود دارد. در سال‌های اخیر برخی عناصر کوشیدند با سوءاستفاده از جغرافیای اقلیم کردستان مشکلات امنیتی برای منطقه ایجاد کنند که خوشبختانه با توافقی امنیتی که میان ایران و عراق امضا شد، راه برای رفع این مسئله فراهم شده است. وی با بیان اینکه مرز میان ما باید مرز صلح و آشتی باشد، خاطرنشان کرد: هر مرزی که تبادلات تجاری در آن رونق داشته باشد، محل تردد و فعالیت توریست‌ها نمی‌شود. مسعود پزشکیان در نشست با نخیکنان، دانشگاهیان و عشایر عراق در بصره اظهار کرد: صراط مستقیم یعنی وحدت، یعنی همه با هم هستیم. چرا باید با هم اختلاف کنیم؟ در بغداد در سیاستون گفتیم به تاریخ نگاه کنید اروپاییان ۱۰۰ سال باهم می‌جنگیدند و همدیگر را می‌کشیدند اما باهم توافق کردند و راه‌ها را به هم وصل کرده و پول واحد دارند و یکی شدند.